

آزادی زنا کند، به او صد تازیانه می‌زنند، اما اگر بنده‌ای زنا کند، به او پنجاه تازیانه می‌زنند. از نظر کیفی نیز حکم بنده و آزاد متفاوت است؛ اگر شخص آزادی زناى مُخَصَّن کند، او را رجم می‌کنند، اما اگر بنده‌ای زناى محصن کند، رجم نمی‌شود.

۴- تحقق دخول در فرج

کون الإیلاج فی فرجها؛ باید ایلاج در فرج زن تحقق پیدا کند.

فلا عبرة بإیلاجه فی غیره من المنافذ و إن حصل به الشهوة والإنزال؛ پس اگر آلت خود را در غیر از فرج، مثل دهان وارد کند، زنا محقق نمی‌شود. هرچند مرد تحریک شهوانی شود و انزال کند.

والمراد بالفرج العورة، كما نصَّ عليه الجوهري، فيشمل القبل والدبر، وإن كان إطلاقه على القبل أغلب؛ فرج مطلق عورت را می‌گویند و فرق نمی‌کند که قُبُل (جلو) یا دُبُر (پشت) باشد، همان‌طور که جوهری به این مسئله تصریح کرده است که فرج هم شامل قُبُل و هم شامل دُبُر می‌شود، هرچند که فرج اغلب بر قبل اطلاق می‌شود.

۵- بلوغ زانیه

خامسها: كونها امرأة؛ یعنی کسی را که با او زنا می‌کند، امرأة باشد.

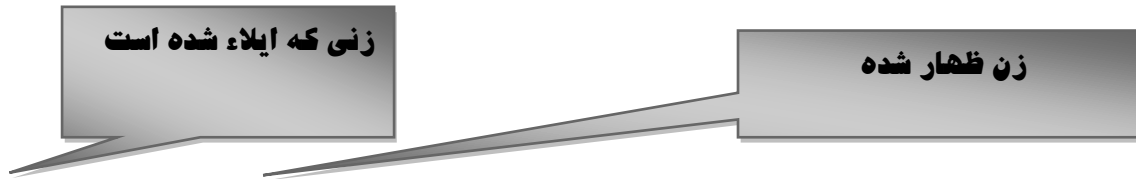
وهي البالغة تسعة سنين، لأنها تأنيث المرء وهو الرجل؛ «امرأة» زنی است که به حد بلوغ، نه سالگی، رسیده باشد زیرا «مرء» (بدون تاء) به مرد گفته می‌شود و با «تاء» به زن اطلاق می‌شود. ولا فرق فيها بين العاقلة والمجنونة، الحرة، الحية والميتة، وإن كان في الميتة أغلظ كما سيأتي؛ وطی با زن عاقل، دیوانه، آزاد، زنده و یا مرده، همه زنا محسوب می‌شود، هرچند زنا با زن مرده شدت بیشتری دارد و گناهش سنگین‌تر است.

وخرج بها إیلاجه فی دُبُر الذکر فإنه لا يعدّ الزنی وإن كان أفحش و أغلظ عقوبه؛ اگر کسی آلت خود را در دُبُر مردی داخل کند، آن را زنا نمی‌گویند، بلکه لواط می‌گویند؛ هرچند از نظر عقوبت، گناه لواط بیشتر و عقوبت آن غلیظ‌تر است.

۶- حرام بودن زن بر مرد

سادسها: كونها محرمة عليه؛ زنا زمانی محقق می‌شود که زنی که با او نزدیکی می‌کند، بر او حرام و برای او اجنبی باشد، یا اینکه یکی از محارمش باشد که نزدیکی با آنها حرام است.

فلو كانت حلیة بزوجة لم يتحقق الزنا؛ اگر زن، همسر فرد باشد، بر او حلال است و در این صورت زنا محقق نمی‌شود.



و شملت المحرمة الأجنبية المخصنة والخالية من بعل، ومحارمه وزوجته الحائض والمظاهرة والمولى منها والمحرمة وغيرها وامته المزوَّجة، والحائض ونحوها وسيخرج بعض هذه المحرمات؛ وقتی گفته می‌شود: «زن حرام» موارد متعددی را شامل می‌شود.

که این موارد عبارت‌اند از:

- ۱- زن اجنبی محصن یا غیر محصن بدون شوهر؛
- ۲- زنی که با فرد محرم است؛
- ۳- زنی که در عادت ماهیانه است؛
- ۴- زنی که ظهار شده است؛ یعنی، شوهرش به او گفته که پشت تو مانند پشت مادرم بر من حرام است «انت علیّ کظهر امی»
- ۵- زنی که «ایلاء» شده است. **اگر کسی به زن خود بگوید که من قسم می‌خورم تا چهار ماه با تو نزدیکی نکنم.** به آن ایلاء می‌گویند و اگر بخواهد با او نزدیکی کند باید کفاره بدهد تا زن بر او حلال بشود؛
- ۶- زنی که به واسطه ی مُحَرِّم بودن یا غیر آن، بر شوهر خود حرام است؛
- ۷- زنی که طلاق داده شده و در عده ی طلاق بائن است. در این صورت نیز اگر در این مدت مرد با زنش نزدیکی کند، زنا محسوب می‌شود؛
- ۸- هرگاه فرد با کنیز خود که در عادت ماهیانه است، نزدیکی کند، فعل او حرام است. شارح می‌فرماید که در بیشتر این موارد که عمل مرد با زن در آنها حرام است، زنا محسوب نمی‌شوند؛ برای مثال اگر کسی با زن خود که در عادت ماهیانه است نزدیکی کند، این کار او هرچند حرام است اما عملش زنا نیست. شارح می‌فرماید: در ادامه بعضی از زنانی را که حرام هستند، اما نزدیکی با آنها زنا نیست، از این تعریف خارج می‌کنیم.
- ۹- زن در عقد یا ملک مرد نباشد و وطی از روی شبهه اتفاق نیفتد.

۷- زن در عقد نکاح مرد نباشد

نکات مهم

❑ **الزنا: ایلاج** أي إدخال الذکر البالغ العاقل فی فرج امرأة: زنا عبارت است از داخل نمودن مرد بالغ

عاقل آلت رجولیت خود را در فرج زنی که بر وی حرام است بدون اینکه عقد نکاحی بین آنها بوده یا زن مملوکه مرد باشد و نیز عمل مزبور نباید شبهه واقع شده باشد.

❑ و ضمیر (هو) به (زنا) راجع بوده (و هو ای الزنا) و کلمه (ایلاج) به معنای (ادخال) است و مقصود از ادخال، ادخال مذکری است که بالغ و عاقل باشد.

❑ و در ذیل (فی فرج امرئه) می فرمایند: بلکه اگر مرد با مطلق جنس اناث تماس پیدا کرده و وطی کند زنا محقق است اعم از آنکه در قبل بوده یا در دبر باشد: **(بل مطلق أنثی قبلاً أو دبراً)**

❑ **(قدر الحشفه):** این کلمه منصوب است تا مفعول برای مصدری که در صدر کلام واقع شده یعنی (ایلاج) باشد و بدین ترتیب معنای عبارت چنین می شود:

❑ و ایلاج قدر حشفه یا به ادخال خود حشفه است و یا اگر شخص مقطوع الحشفه بوده به این است که مقدار آن از بقیه نرینه را در فرج ادخال نماید: **و یتحقق قدرها بإیلاجها نفسها أو ایلاج قدرها من مقطوعها** «قدر الحشفه»

❑ پس آنچه از تعریف مصنف علیه الرحمه بدست می آید این است که در تحقق زنا قیودی به شرح ذیل معتبر است

❑ بدون: یعنی بدون ایلاج: أحدها: الإیلاج؛ فلا یتحقق الزنی **بدونه** کالتفخیز

❑ کالتفخیز: و آن این است که مرد آلت رجولیت را بین دو ران زن بگذارد چه آنکه کلمه (تفخیز) از (فخد) بفتح فاء و کسر خاء به معنای ران می باشد.